

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که مقدمه مرحوم آخوند در کتاب کفایه مطرح شد و قرار داشتیم نقدهای به این مقدمه مطرح کنیم. نکته اول: ما (استاد علیدوست) برای اصولی که مرحوم آخوند مطرح کردند اصالت قائل نشدیم و عرض کردیم فقهاء همیشه در مقام استنباط و عمل، به اطمینان خودشان عمل می کنند و آنچه اصالت دارد همان اطمینان است. اما اگر بخواهیم با ادبیات مشهور صحبت بکنیم می گوئیم آنچه مرجع است اصل ظهور است و سایر اصول محقق ظهور هستند؛ یعنی براساس رتبه این اصول محقق اصل ظهور هستند و مرجعیت با اصل ظهور است.

نکته دوم: در بحث خارج باحث باید به ادبیات مشهور احترام بگذارد و کلمات مشهور را بیان کند، برخی بزرگان اشکالاتی بر آقای آخوند دارند: 1: مرحوم حکیم 2: مرحوم ایروانی اینها اشکالاتی را به مرحوم آخوند می کنند.

مرحوم آخوند: اصالت الظهور جاری است و توبیت به اصل عدم قرینه نمی رسد. مرحوم حکیم می فرماید عقلا در محاوراتشان و در برداشت از دلیل، دو رقم شک دارند که رابطه این دو شک طولی است و هر کدام اصول خاصی دارد که دیگری ندارد و اینها نباید با هم اشتباه شوند. بعد ایشان توضیح می دهد و می فرماید یک دفعه مخاطب یک نص، اصلا نمی داند ظاهر کلام مولی چیست؟ مثال: نمی داند این واژه معنایش چیست؟ و یا نمی داند ظاهر چه است و ندانستن، به خاطر وجود قرینه ی است که با وجود آن قرینه معنا تغییر پیدا می کند؛ مثل اینکه می شنود رایت اسدا... شک کرد که متکلم یرمی گفته یا نه؟ اگر یرمی گفته باشد رجل شجاع مراد است و اگر یرمی نگفته باشد حیوان مفترس مرادش می باشد و لذا وقتی از او بپرسی فهمیدی گوینده چه گفت؟ می گوید ظاهر کلامش را متوجه نشدم بلکه شک دارم.

اما برخی اوقات شک در ظاهر کلام متکلم ندارد بلکه شک در اراده ظاهر دارد؛ مثال: زید کثیر الرماد، ظاهرش معلوم است یعنی خاکستر در خانه اش زیاد است اما در اراده متکلم شک می شود.

آقای حکیم می فرماید: هر کدام از این اقسام، اصول و ابزار دارد؛ اگر شک در اصل ظهور باشد مثلا نمی دانیم معنای صعید چیست؟ در این صورت باید سراغ عرف برویم یا اگر در جایی در عموم شک کردیم اصالت العموم جاری می شود و... اما در جایی که در اراده متکلم شک داریم: در اینجا اصل عدم قرینه جاری می شود.

اشکال آقای حکیم: آقای آخوند شما در چنین مواردی اصل ظهور را پیاده می کنید، در حالی که باید اصل عدم قرینه، اصل امانت داری را پیاده کنید.

آقای حکیم: مرحوم آخوند همه را یکجا فرموده بود و مرحوم حکیم تفکیک بین موارد ایجاد کرد.

استاد علیدوست: اگر این اصول ایجاد اطمینان کند به درد ما می خورد چون مبنای ما اطمینان بود.

اشکال دیگر بر مرحوم آخوند از محقق ایروانی: ما در بین عقلا چیزی به نام اصل عدم قرینه نداریم؛ عقلا و خردمندان خیلی اصول دارند اما چنین اصلی ندارند، در روایات و آیات هم که نداریم و عقل هم در این موارد ساکت است.

توضیح کلام محقق ایروانی: عقلا اگر در موردی کلامی صادر شود و احتمال وجود قرینه بدهند با یک احتمال عدم قرینه و ان شاء الله اقدام نمی کنند، مثلا اگر دکتر بگوید از این کپسول سه تا مصرف کن و خاطر شما جمع نباشد و نفهمی دکتر قبل از غذا گفت یا بعد از غذا، در اینجا عقلا اصل عدم قرینه جاری نمی کنند؛ در روایات ما که اینقدر واسطه خورده است اگر جایی احتمال قرینه بدهیم - که با وجود آن قرینه، معنا جور دیگری می شود - اصل عدم قرینه جاری نمی شود.

استاد علیدوست: آقای ایروانی عقلا چرا اصل عدم قرینه جاری نمی کنند؟ آیا این انتساب شما به عقلا درست است؟ ما می دانیم

که عقلا وقتی اصل عدم قرینه جاری نمی کنند به خاطر این است که به اطمینان نرسیده اند و در واقع آنچه که معیار و ملاک است اطمینان است نه اصل عدم قرینه.

اشکال آخر: شنیده اید که علمای ما گاهی می گویند فلان چیز قرینه است و گاهی گویند يصلح للقرینة است؛ علما این را در بحث عام و فرق عام با مطلق می گویند؛ آقای ایروانی می فرماید واژه يصلح للقرینة را از اصول حذف کنید، چرا که اگر قرینیت قطعی است، که خوب قرینه هست و اگر قرینه نیست که نیست مثل: اینکه گویند شک در حجیت مساوی است با قطع به عدم حجیت. همیشه می گویند: قوت دلالت قرینه بیشتر از ذو القرینه است؛ اگر اقوی دلالتا شد که قرینه است و اگر اقوی دلالتا نشد که دیگر قرینه نیست، پس ما يصلح للقرینه چه معنای دارد؟

استاد علیدوست: ما مجتهدین عصر غیبت با کلمات مستقیم ائمه و پیامبر مرتبط نیستیم و واسطه زیاد وجود دارد تا به مرحوم کلینی روایت برسد شش تا واسطه وجود دارد حتی 1000 سال بعد هم همین شش واسطه برای آنها باقی می ماند؛ آقای ایروانی چه اشکالی دارد بگوییم کلام گاهی قرینه دارد و گاهی قرینه ندارد و گاه قرینه مشکوک است و این نیاز به دقت دارد تا فهمیده شود.

**الحمد لله رب العالمین**